

بررسی استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای در پرتو حقوق بین الملل

سید فضل ا. موسوی*

استاد گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مهدی حاتمی

دکترای حقوق بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۸/۲۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۱۱/۱۲)

چکیده:

در چارچوب معاهده منع گسترش، اهدافی سه گانه مدنظر قرار گرفته است که عبارتند از (۱) استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای (۲) عدم گسترش سلاح های هسته ای و (۳) خلع سلاح هسته ای. نویسندگان مقاله حاضر به مطالعه و بررسی ابعاد مختلف حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای و تفسیر برخی از مواد معاهده مزبور (۱،۲،۴) پرداخته اند. در نتیجه گیری پیشنهاداتی در راستای تحقق استفاده صلح آمیز مطرح شده است.

واژگان کلیدی:

معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای، مواد ۱، ۲، ۴، استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای، حق مسلم.

* مسئول مقاله

فاکس: ۶۶۴۰۹۵۹۵

برای اطلاع از دیگر مقالات منتشر شده از این نویسنده در همین مجله، به صفحه پایانی این مقاله نگاه کنید.

مقدمه

هیچ معاهده‌ای به اندازه معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای^۱ در عرصه منع گسترش چنین سلاح‌هایی تاثیرگذار نیست؛ اما در خصوص آن اختلاف نظرهایی در روابط بین‌الملل مطرح شده است (Joseph S. Nye, " (Winter, 1981), No.1, p.16). این اختلاف نظرها بیشتر در اظهارنظرهای سیاسی سیاستمداران متبلور شده است. کنفرانس بازنگری معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در اواخر ماه مه ۲۰۰۵ با ناکامی به پایان رسید و یک بار دیگر آشفستگی مقررات معاهده عدم گسترش را نمایان ساخت (The New York Times, 28 May 2005). یکی از عوامل بازدارنده شکل‌گیری وفاق عام کشورها در این کنفرانس، تفسیر حق مسلم مندرج در ماده ۴ معاهده بود. این ماده مقرر می‌دارد:

"هیچ یک از مواد این معاهده به نحوی تفسیر نخواهد شد که به حقوق مسلم هر یک از اعضای آن به منظور توسعه تحقیقات، تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای در راستای اهداف صلح‌جویانه بدون هر نوع تبعیض و بر اساس مواد ۱ و ۲ این معاهده، خللی وارد نماید. همه اعضای این معاهده متعهد می‌شدند که تبادل هر چه وسیع‌تر تجهیزات، مواد، دانش و اطلاعات فنی را در جهت مصارف صلح‌جویانه انرژی هسته‌ای تسهیل کرده و حق شرکت در این مبادلات را دارند. اعضای این معاهده در صورت توانایی باید انفرادی یا به اتفاق سایر اعضا یا سازمان‌های بین‌المللی در توسعه بیشتر استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌جویانه مخصوصاً در قلمرو اعضای که فاقد سلاح هسته‌ای هستند و با توجه به نیازهای مناطق در حال توسعه جهان، مشارکت نمایند".

نظریات گوناگون در خصوص عبارت "مطابق با مواد ۱ و ۲ این معاهده" در قسمت اخیر ماده (۱) (۴) تفسیر ماده ۴ را با پیچیدگی خاص روبرو ساخته است.

ماده ۱ مقرر می‌دارد: "هر یک از اعضای این معاهده که دارای سلاح هسته‌ای است، متعهد می‌شود از انتقال مستقیم یا غیرمستقیم سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای و یا کنترل بر این سلاح‌ها یا ادوات انفجاری به دیگری خودداری کرده و هیچ‌یک از دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای را به هیچ طریقی، در ساخت سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای و یا کسب این سلاح‌ها یا دیگر ادوات انفجاری هسته‌ای و کنترل بر آنها کمک، تشویق و ترغیب ننماید".

ماده ۲ مقرر می‌دارد: "هر یک از اعضای این معاهده که فاقد سلاح هسته‌ای است متعهد می‌شود از قبول مستقیم یا غیرمستقیم انتقال سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری

۱. NPT در حال حاضر ۱۸۹ عضو دارد رجوع کنید به:

<http://disarmament2.un.org/treatystatus.nsf,viewed2August2006>.

هسته‌ای و یا کنترل بر این سلاح‌ها یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای به دیگری خودداری کرده و به هیچ طریقی سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای را نساخته و کسب ننماید و در جستجو و یا دریافت کمک برای ساخت سلاح‌ها یا ادوات انفجاری هسته‌ای بر نیاید."

اختلاف میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در خصوص برنامه غنی سازی اورانیوم نشان دهنده وجود اختلاف نظر درباره مسأله فوق‌الذکر است که از یک سو در ماده (۴) "حق مسلم" کشورها برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای آمده و از سوی دیگر مطابقت این حق با مواد ۱ و ۲ معاهده منع گسترش مطرح شده است (Peter Crail and James MCMonigle). (<http://cns.miis.edu/pubsMCMonigle>)

حق مسلم کشورهای عضو معاهده منع گسترش جهت استفاده صلح آمیز در موقعیت‌های مختلف مورد تأیید قرار گرفته است.^۱ با وجود این، در خصوص قلمرو اعمال این حق در سیاق مواد ۱ و ۲ معاهده مزبور، آنجائی که "ساخت سلاح‌های هسته‌ای" منع شده است، هیچگونه شفاف سازی صورت نگرفته است. این مسأله باعث شد در تلاش‌های بین‌المللی در مورد قاعده مند کردن چرخه سوخت هسته‌ای^۲ و کنترل بین‌المللی صادرات هسته‌ای حساس، تأملاتی شکل گیرد.^۳ به هر حال، اگر معاهده عدم گسترش یک کاغذپاره نیست، بلکه یک سند معتبر است، بایستی منطق و منظور حاکم بر آن را بررسی و پیدا کنیم و معمای "حق مسلم" را حل کرده و مفهوم آن را تبیین نمائیم.

۱. اسناد نهایی کنفرانس بازنگاری معاهده عدم گسترش این تأیید را تکرار نموده‌اند. به عنوان مثال در سال ۱۹۸۵ در کنفرانس بازنگاری (تصمیم نهایی در خصوص ماده ۴) چنین مقرر می‌دارد:

"این کنفرانس تأیید می‌نماید که هرگونه تصمیم گیری کشورها بایستی با احترام به استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای همراه باشد و نبایستی لطمه‌ای به سیاست‌های مربوط به چرخه سوخت هسته‌ای کشورها وارد سازد."

نگاه کنید به (NPT/CONF.III/64/1), (NPT/CONF.1995/32Cpart1), (NPT/CONF.2005/PC.1.50), (NPT/CONF.2000/28/28(Part 1 and II))

۲. مدیر کل آژانس در این خصوص ۲ گزارش ارائه نموده است:

1) INFCIRC/640 (22 February 2005).

2) GOV/INF/2007/11 (13 June 2007).

۳. رئیس جمهور اسبق ایالات متحده (فورد) مفهوم "صادرات هسته ای حساس" را مطرح نمود. هدف ایشان این بود که صادرات تسهیلات و تکنولوژی‌ها برای غنی سازی اورانیوم یا بازفرآوری سوخت هسته‌ای قاعده مند شود. نگاه کنید به: (Congressional Quarterly, Inc., P. 830). تعریف تکنولوژی حساس هسته‌ای از این قرار است: "هرگونه اطلاعات شامل اطلاعات مربوط به تولید یا تسهیلات بهره برداری یا بخش مهمی از اجزاء که برای عموم قابل دسترس نیست و برای طراحی، ساخت، تولید، عملیات یا نگهداری از غنی سازی اورانیوم یا امکانات مربوط به بازفرآوری سوخت هسته‌ای یا امکانات مربوط به تولید آب سنگین لازم است." نگاه کنید به:

(1) Nuclear Non-Proliferation Act, approved 10 March 1978, Public Law 95-242.

(2) INFCIRC/254/Rev.1/Part.1, Article 7 and Article 6 in annex A.

دکتر البرادعی، مدیرکل سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در زمان سخنرانی در کنفرانس بازننگری معاهده عدم گسترش (۲۰۰۵)، منطق حاکم بر معاهده مزبور را چنین مورد اشاره قرار داد:

"این معاهده ۳۵ سال مورد استفاده قرار گرفته است. مگر نه اینکه ما به آن به عنوان بخشی از رژیم پویا و شایسته تحول جهت انطباق با واقعیت‌های متغیر احترام گذاشته‌ایم اما این معاهده ما را آسیب پذیر و بدون محافظ وانهاده است (Statement of IAEA Director General Dr. Mohamed El Bradei in 2005 Review Conference of NPT, 2 May 2005. (<http://www.iaea.org/Newscenter/Statent/2005/ebsp2005noo6.html>)).

در این مقاله به بررسی دیدگاه‌های مختلف در خصوص "حق مسلم" استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی و چگونگی شکل‌گیری ابتدایی این حق از ابعاد مختلف پرداخته می‌شود.

بخش اول: قرائت‌های مختلف در خصوص "حق مسلم" استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای

حق مسلم مندرج در ماده ۴ معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای در طول ۴۰ سال از زمان شکل‌گیری این معاهده به معنایی برای حقوق دانان بین‌المللی تبدیل شده است. این معما در برگیرنده دو بحث جنجال برانگیز است یکی موضوع "حق مسلم" و دیگری مطابقت با مواد ۱ و ۲ معاهده که در قسمت اخیر بند ۱ ماده ۴ آورده شده است.

بند اول) حق مسلم استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای

در مقایسه با دیدگاه ایالات متحده آمریکا که الزامات ناشی از معاهده عدم گسترش در خصوص عدم ساخت سلاح‌های هسته‌ای را شامل ممنوعیت تمام پیشرفت‌های ذیربط، تولید اجزاء و آزمایشات هسته‌ای می‌داند، دیدگاه اروپایی در دهه ۱۹۸۰ بر این نکته تاکید داشت که این حق مسلم تابع هیچ‌گونه استثنایی جز ممنوعیت مصرح مندرج در معاهده در مورد انفجار هسته‌ای نیست. آقای برتراند گلدشمیت رئیس سابق شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اظهار می‌دارد که تا اواسط دهه ۱۹۷۰ پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سیاست‌های معاهده عدم گسترش عاری از هرگونه محدودیت فنی بود بطوری که در آن زمان معاهده عدم گسترش را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد و آن هم اینکه "انفجار اتمی ممنوع است" و هرچیز دیگری مجاز است و هیچ چیزی در معاهده عدم گسترش کشورهای عضو را از پیگیری روش‌های فنی انتخاب شده توسط آنها باز نمی‌دارد (Bertrand Goldschmidt, (1981), (P.66).

آقای گلداشمیت ارتباط میان فعالیت‌های هسته‌ای حساس و ماده ۴ معاهده را تحلیل کرده و این‌گونه نتیجه‌گیری می‌نماید که "اعمال محدودیت بر چنین فعالیت‌هایی ناسازگار با این معاهده می‌باشد (Bertrand Goldschmidt, (Summer 1997) p.80). به همین ترتیب، یکی دیگر از حقوق دانان استدلال می‌کند که از دیدگاه اروپا این تغییرات (یعنی محدودیت‌های اعمال شده بر حق مسلم استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای) تلاشی در جهت بازنویسی یک هنجار بین‌المللی معتبر می‌باشد. (Pierre Lellouche, (winter 1980), p45). به نظر ایشان ماده ۴، یک قاعده هنجارین می‌باشد که به کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای عضو معاهده منع گسترش این تضمین را ارائه می‌دهد که به چرخه کامل سوخت هسته‌ای دسترسی بومی داشته باشند (Ibid). کارشناسان ژاپنی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با تفسیر همکاران خود در اتحادیه اروپا در خصوص حق مسلم استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای موافقت می‌کنند. آنها از پرداختن به موضوع حق مسلم مندرج در ماده ۴ به نحو مستقیم اجتناب کرده‌اند. ریوکیچی ایمای، سیاست جدید ایالات متحده آمریکا در خصوص منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۷۸ را با هدف محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای حساس، مورد انتقاد قرار داده است و این چنین اظهار می‌دارد:

"آنچه مرا آزار می‌دهد این است که سیاست ایالات متحده به طور اجباری و آمرانه به جهان ارائه شده و در برگیرنده تغییرات در سوابق و اسناد چند جانبه مانند معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد. او معتقد است که جامعه بین‌المللی نمی‌تواند نسبت به موضوع تحمیل یک تغییر بین‌المللی در چیزی که اساساً یک سند چندجانبه می‌باشد، تسامح به خرج دهد" (Imai Ryukicki, (Autumn 1978), p.62). یک دهه بعد سویجی یاما، دیپلمات ژاپنی مذاکره‌کننده در مذاکرات سال ۱۹۸۸ بین ژاپن و ایالات متحده آمریکا در مورد همکاری برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای این موضوع را مطرح کرد که سیاست ایالات متحده آمریکا در پروژه بازفرآوری ژاپن نشان‌دهنده انحراف ایدئولوژیک از اصول حاکم بر معاهده منع گسترش از سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد (Shinuke Sugiyama, , 31 the Japanese Annual of International Law, p.90).

بند ۲) عبارت "مطابق با مواد ۱ و ۲ معاهده منع گسترش"

دومین مسأله مهم که قابل طرح به نظر می‌رسد، عبارت پردازی "مطابق با مواد ۱ و ۲ معاهده منع گسترش و واژه "ساخت" در ماده ۱ و ۲ معاهده مزبور است. کارشناسان مسأله منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در ایالات متحده آمریکا، عبارت پردازی مطابق با مواد ۱ و ۲ در زمان تفسیر حق مسلم استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای را مورد تاکید قرار می‌دهند. آنها منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مندرج در مواد ۱ و ۲ معاهده مزبور

را با حق مسلم فوق الذکر، در تعامل با یکدیگر می‌دانند. در این باره آقای نی در سال ۱۹۸۰ با توجه سیاست جدید ایالات متحده آمریکا چنین اظهار داشت: "محدودیت بر صادرات مواد هسته‌ای حساس در حال حاضر لزوماً به معنای نقض ماده ۴ یا هدف اصلی معاهده منع گسترش نیست". این استنتاج با توجه به قسمت آخر بند ۱ ماده ۴ معاهده که حق مسلم را در پرتو تعهدات مندرج در مواد ۱ و ۲ شناسایی می‌نماید، طرح شده است (Joseph S. Nye, (1980), (P.11). یکی دیگر از نویسندگان آمریکایی (Charles Van Doren, key NPT Conference Issues, (March 1995, P.19). این چنین اظهار نظر می‌کند: "کشورهای تامین کننده صادرات مواد حساس هسته‌ای مطمئناً با این مسأله موافق نیستند که ماده ۴ حق حاکمیت آنها برای انتخاب شرکاء تجاریشان را از بین ببرد یا اینکه حق تصمیم‌گیری در مورد متعارض بودن صادرات مواد هسته‌ای خاصی با اهداف ابتدایی معاهده منع گسترش مندرج در مواد ۱ و ۲ آن معاهده را از آن کشورها سلب نماید."

بعضی از حقوقدانان معتقدند که حذف فعالیت‌های هسته‌ای حساس از حق مسلم استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای از طریق تعامل متقابل میان ماده ۴ با مواد ۱ و ۲ معاهده منع گسترش (به این صورت که استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای به استناد عدم مطابقت فعالیت‌های هسته‌ای با مفاد مواد ۱ و ۲ معاهده مزبور، مردود شناخته شود) غیر قابل پذیرش است. به نظر آنها چیزی که در اینجا مهم است عبارت است از اینکه آیا تفسیر مواد ۱ و ۲ می‌تواند موجب این اثر باشد که فعالیت‌های هسته‌ای حساس به موجب مواد ۱ و ۲ معاهده مزبور ممنوع شده‌اند یا نه. یکی از طرفداران این دیدگاه خاطر نشان می‌نماید (F. Barnaby)^۱ که اعمال مربوط به تدارک ساخت حتی اگر این ساخت نزدیک به مرحله تسلیحاتی بشود، لزوماً به معنای ممنوعیت ساخت در ماده ۲ نیست. فعالیت‌های هسته‌ای حساس مصون از هرگونه ممنوعیت معاهده‌ای هستند. از نظر قانونی، اعضاء معاهده منع گسترش می‌توانند اجزاء سلاح‌های هسته‌ای را بسازند و اجزاء غیرهسته‌ای آن سلاح‌ها را گردآوری نمایند، صرفاً زمانی که مواد شکاف پذیر در یکی از ادوات مزبور قرار داده شد، معاهده ذیربط نقض می‌شود. بعضی از کارشناسان منع گسترش در ایالات متحده آمریکا، صرف نظر از نقطه نظرشان در مورد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با این دیدگاه موافقند (Albert Wohlstetter, (winter1976), (1977), PP.152-154). عده‌ای از حقوق دانان آمریکایی با این دیدگاه مخالفند. یکی از آنها (Leonard S. Spector, (1995), PP.23-24.) انتقاد خود را این چنین اعلام می‌نماید: "چنین

۱. نگاه کنید به:

R. Jorn, S. Harry, **IAEA Safeguards and Non- Proliferation**, in: Marianne Van Leeuwen Ceds, *The Future of the International Nuclear Regime*, Martinus, Nijhoff Publishers (1995), P170.

تفسیری به معنای استهزاء الزامات کشورها نسبت به اعراض از سلاح‌های هسته‌ای است.^{۱۱} او استدلال می‌نماید: بایستی این مساله مشخص شود که الزامات ناشی از معاهده منع گسترش برای عدم ساخت سلاح‌های هسته‌ای در برگیرنده ممنوعیت تمام پیشرفت‌های ذیربط، تولید اجزاء و آزمایشات هسته‌ای است یا نه. اثبات غیرقانونی بودن چنین فعالیتی به موجب مقررات حاکم بر معاهده منع گسترش برای دولت ایالات متحده آمریکا، اولویت مبرمی است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این دیدگاه صرفاً سیاسی و فاقد هر گونه استدلال حقوقی است. چنین دیدگاهی مبین رویکرد اصالت نفع و بی توجهی به مباحث حقوقی است.

بخش دوم: چگونگی تدوین واژه "حق مسلم" در ماده ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

در این بخش به بررسی پیشنهادات مختلف در زمان تدوین واژه "حق مسلم" و سایر مسایل مرتبط با این موضوع خواهیم پرداخت.

بند اول: پیشنهاد ایرلند در مورد انتظارات مشترک

شکل‌گیری معاهده منع گسترش ریشه در توجه به حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای، نگرانی مشترک و انتظارات جامعه بین‌المللی در مورد چگونگی مواجهه با سلاح‌های هسته‌ای دارد. هیأت نمایندگی ایرلند در مجموعه‌ای از پیشنهادات خود ایده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را مطرح کرد که به موجب آن پیشنهادات، ساخت و تولید سلاح‌های هسته‌ای بایستی ممنوع شود (A/pv.751 (19 September 1958), Para. 81 – 84). این پیشنهادات و قطعنامه‌ها انتظارات مشترک را جهت حمایت اکثریت جامعه بین‌المللی از توافق بین‌المللی برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، شکل داد.

وزیر امور خارجه اسبق ایرلند (فرانک آیکن)، ایده اصلی معاهده منع گسترش را در سیزدهمین کنفرانس عمومی مجمع عمومی در مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۸ اعلام کرد. او در سخنرانش گفت: "انعقاد یک توافقنامه بین‌المللی برای تحت پوشش قرار دادن کشورهای دارای سلاح هسته‌ای لازم و ضروری است." او پیشنهاد کرد که این توافقنامه متضمن این است که کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای از ساخت، خرید، دریافت یا دارا شدن سلاح‌های هسته‌ای خودداری ورزند (Ibid).

در ۱۷ اکتبر ۱۹۵۸ در کمیته اول مجمع عمومی سازمان ملل متحد، هیأت نمایندگی ایرلند پیش‌نویسی را پیشنهاد دادند که "تمام کشورهای که در حال حاضر در حال تولید سلاح هسته‌ای نیستند از ساخت سلاح‌های مزبور خودداری ورزند (A/c.1/L.206 (17 October

(1958). " در نوامبر ۱۹۵۹ هیأت نمایندگی مزبور قطعنامه‌ای را به مجمع عمومی پیشنهاد و ارائه کرد که توافق بین‌المللی در خصوص ممنوعیت انتقال سلاح‌های هسته‌ای را مورد حمایت قرار می‌داد (G.A Res.1380 (20 November 1959)).

در سال ۱۹۶۰، پیشنهاد مربوط به منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای توسط ایرلند مبین انعقاد یک موافقتنامه بین‌المللی که در آن منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مطرح شده باشد، نبود. ایرلند همراه کشورهای ژاپن، کانادا، مکزیک و مراکش از کشورهای فاقد چنین سلاح‌هایی خواستند که از ساخت سلاح‌های هسته‌ای و تلاش برای اکتساب آنها خودداری ورزند (A/4680 (20 December 1960), Para.10). این موضوع بعداً در قطعنامه ۱۵۷۶ مجمع عمومی طرح شد. در آخرین مجموعه پیشنهادات ایرلند که در سال ۱۹۶۱ مطرح شد این کشور، گذاشته پیشنهاد وزیر امور خارجه اش را احیا کرد. بر اساس این پیشنهاد بایستی توافقنامه بین‌المللی برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای منعقد شود. این پیشنهاد با اتفاق آراء طی قطعنامه ۱۶۶۵ و با عنوان "جلوگیری از اشاعه گسترده سلاح‌های هسته‌ای" به تصویب مجمع عمومی رسید. این قطعنامه از تمام کشورها و مخصوصاً کشورهایی که در حال حاضر دارای سلاح‌های هسته‌ای هستند می‌خواهد که حداکثر تلاش خود را جهت تضمین انعقاد توافق نامه بین‌المللی در مورد تعهد کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای برای خودداری از انتقال اطلاعات مربوط به ساخت این‌گونه سلاح‌ها و مقرراتی که به موجب آنها کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای متعهد به عدم ساخت و اکتساب چنین سلاح‌هایی می‌باشند، به عمل آورند (GA Res.1665 (4 December 1961)).

بند دوم) از انتظار مشترک تا مقررات مبهم معاهده

بهره اول: درج حق مسلم در پیش نویس‌های معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

پیش نویس‌های ابتدایی ارائه شده توسط ایالات متحده آمریکا (The U.S. Draft Treaty to Prevent the Spread of Nuclear Weapons, Aug 17, Sept.24, 1965, See, (A/5976) و اتحاد جماهیر شوروی (The U.S.S.R Draft Treaty on the Non Proliferation of Nuclear Weapons, (Sept. 24, 1965, See, (A/5976) منحصرأً مربوط به ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای بودند. در هیچ‌یک از پیش‌نویس‌های فوق‌الذکر هیچ‌گونه بحثی از استفاده صلح آمیز از تکنولوژی هسته‌ای به میان نیامد. به ابتکار جنبش عدم تعهد قطعنامه ۲۰۲۸ توسط مجمع عمومی به تصویب رسید. به موجب این قطعنامه اصولی برای هدایت مذاکرات مربوط به معاهده پیش رو (معاهده منع گسترش) طرح شد (GA Res.2028 (23 November 1965)). از مهم‌ترین اصول مندرج در قطعنامه فوق‌الذکر این موضوع بود که بایستی این معاهده توازنی قابل قبول میان

مسئولیت‌های متقابل کشورهای دارای سلاح هسته‌ای و کشورهای فاقد این سلاح برقرار نماید و اقداماتی در جهت تحقق خلع سلاح کامل و عمومی و به ویژه خلع سلاح اتمی صورت پذیرد (Ibid., Para.2(b)(c)). با وجود این، حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای به طور ویژه در میان اصول مندرج در این قطعنامه مد نظر قرار نگرفت.

اندکی پس از صدور قطعنامه فوق‌الذکر، مجمع عمومی در قطعنامه شماره ۲۱۵۶ خود به موضوع استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای پرداخت. مجمع اظهار داشت: "تصمیم گرفته تا کنفرانسی با حضور کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای برگزار نماید تا چگونگی استفاده از ادوات هسته‌ای جهت مصارف صرفاً صلح آمیز، مورد بررسی قرار گیرد (GA Res. 2156 (22) (November 1966), Para.2(C))."

در جواب به نگرانی‌های کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای، شوروی سابق و ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۶۷ پیش‌نویسی را به کمیته خلع سلاح ارائه دادند که دربرگیرنده حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای بود. مقدمه این پیش‌نویس در بردارنده دو شرط در این مورد بود:

الف) تاکید بر این اصل که بایستی منافع استفاده صلح آمیز از تکنولوژی هسته‌ای، برای اهداف صلح آمیز تمام کشورهای عضو معاهده، قابل دسترس باشد و تمام اطراف این معاهده مستحق مشارکت در حداکثر ظرفیت تبادل اطلاعات علمی (مشارکت انفرادی یا مشارکت با سایر کشورها برای توسعه بیشتر استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح آمیز) می‌باشند.

ب) هیچ چیزی در این معاهده نبایستی طوری تفسیر شود که حق مسلم تمام کشورهای عضو معاهده را در مورد توسعه، تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای به شکل صلح آمیز و بدون تبعیض و مطابق مواد ۱ و ۲ این معاهده را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین حق طرفینی برای مشارکت در حداکثر ظرفیت ممکن تبادل اطلاعات و مشارکت انفرادی و تشریک مساعی با سایر کشورها در جهت توسعه بیشتر استفاده از انرژی صلح آمیز هسته‌ای نیز نبایستی تحت تأثیر تفاسیر مختلف قرار گیرد (Ibid,P.3).

این پیش‌نویس، بنابر پیشنهاد، فاستر، نماینده ایالات متحده آمریکا توسط کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای مورد پیشنهاد واقع گردید.

عبارت پردازی این پیش‌نویس برگرفته از ماده ۱۷ معاهده تلاتلکو* بود (ENDC/PV.325,

* «معاهده ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای امریکای لاتین» در ۱۴ فوریه ۱۹۶۷ در تلاتلکو برای امضا گشایش یافت. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در ۵ دسامبر ۱۹۶۷ معاهده و پروتکل‌های الحاقی آن را طی قطعنامه ۲۲۸۶ تصویب کرد و وجود چنین منطقه‌ای را به رسمیت شناخت. این معاهده دارای یک مقدمه، ۳۱ ماده و ۲ پروتکل الحاقی است. به موجب ماده ۱ آن، اعضا متعهد به استفاده صرفاً صلح آمیز از انرژی هسته‌ای هستند و تعهد می‌نمایند که از آزمایش، استفاده، ساخت، تهیه، دریافت، انباشت، نصب، استقرار و تصاحب هرگونه سلاح هسته‌ای خودداری نمایند. همچنین متعهد می‌شوند که از تشویق یا

(Para.17).

بهره دوم) ماده ۴ در پیش نویس نهایی

پیشنهادات متعدد برای تعدیل پیشنهادات مشابه پیش نویس ۲۴ اوت ۱۹۶۷ ارائه شد. مکزیکی نظری را مطرح کرد که بر اساس آن ماده ۴ به ۲ پاراگراف تقسیم شود (ENDC/196(19 September 1967)). بر اساس پیشنهاد مکزیکی بایستی حق مشارکت در حداکثر ظرفیت ممکن در یک پاراگراف و تقویت این حق از طریق اضافه کردن لفظ حق مسلم در پاراگراف دیگری آورده شود. سایر کشورها میان "حق مسلم" و "مطابقت با مواد ۱ و ۲ معاهده منع گسترش" و "عدم کفایت حق مشارکت" نوعی ناهماهنگی می‌دیدند. چون از یک سو استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای (حق مسلم) کشورهای عضو دانسته شده بود و از سوی دیگر با ابهامی خاص، بهره مندی از این حق منوط به مطابقت استفاده صلح آمیز با مواد ۱ و ۲ معاهده منع گسترش بود که این خود ملاک و معیار خاصی را مطرح نمی‌کرد. از سویی دیگر تعهد به مشارکت کشورهای هسته‌ای با کشورهای فاقد این انرژی در این معاهده شناسایی نشده بود که این موضوع می‌توانست به تضعیف حق مسلم اعطایی به کشورهای عضو بینجامد. چون ضابطه انتقال تکنولوژی کشورهای فاقد این انرژی نا معلوم و مبهم باقی ماند. آنها پیشنهاد دادند که این عبارت پردازش شفاف سازی و قطعیت پیدا کند.

در ۱۸ ژانویه ۱۹۶۸ آمریکا و شوروی سابق مشترکا پیش نویس معاهده منع گسترش را ارائه دادند (7ILM (1968), PP.155-161). در این پیش نویس، ایده تقسیم ماده ۴ به دو بخش مورد تصویب قرار گرفت. به هر حال، پیشنهادات برای شفاف کردن مقررات ذیربط مورد قبول قرار نگرفت.

پیش نویس سوم ماده ۴ نمونه اولیه و قابل قبول متن معاهده بود. در ۱۱ مارس ۱۹۶۸ با اندکی اصلاحات فنی این ماده به همان شکل امروزی اش درآمد. در ۱۴ مارس ۱۹۶۸ ایالات متحده آمریکا و شوروی سابق پیش نویس نهایی معاهده مزبور را به مجمع عمومی و کمیسیون خلع سلاح سازمان ملل تقدیم کردند (G.A Res.23T3(18 June 1968)).

در مذاکرات مربوط به پیش نویس معاهده منع گسترش که توسط کمیته اول مجمع عمومی در آوریل و ژوئن ۱۹۶۸ انجام پذیرفت، ماده ۴ بدون تغییر باقی ماند. مجمع عمومی در ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ قطعنامه‌ای را به تصویب رسانید که در آن قطعنامه متن معاهده مورد پیشنهاد واقع شود.

مشارکت در آزمایش، استفاده، ساخت، تصاحب یا مالکیت این تسلیحات اجتناب نمایند. به موجب ماده ۱۸ این معاهده، انفجارات هسته‌ای صلح آمیز مجاز می‌باشد.

بهره سوم) تلاش برای شفاف سازی در مقابل اصرار بر لزوم وجود ابهام

کشورهای مختلف که در مذاکرات مربوط به شکل گیری معاهده منع گسترش شرکت داشتند در خصوص ابهام دو واژه و لزوم شفاف سازی آنها اظهار نظر کردند و آن دو واژه عبارت بودند از: "حق مسلم و حق مشارکت". در مقابل، عده‌ای از کشورهای دیگر بر ابهام داشتن عبارات تأکید می‌کردند. ذیلاً به بررسی دیدگاه‌های فوق‌الذکر می‌پردازیم.

مکزیک به عنوان حامی معاهده تلاتلکو نظر خود در خصوص "حق مسلم" را این‌گونه مطرح کرد که "نبایستی مقررات این معاهده به عنوان یک کل، این حق را تحت تأثیر خود قرار دهند." به نظر این کشور نکته مهم عبارت است از حق توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای. این حقوق به این دلیل به شکل منفی اظهار شده‌اند که از طرح تفسیری که بر اساس آن معاهده منع گسترش متعارض با حقوق کشورهای عضو باشد، جلوگیری نماید.

نظر کشور مکزیک باعث نوعی تفسیر حقوقی از مقررات این معاهده می‌شود که بر اساس آن "هیچ مقرره‌ای نمی‌تواند طوری تفسیر شود که مغایر با حق مزبور باشد (ENDC/PV.331,Para.7).

نماینده ایالات متحده آمریکا، فاستر، برای مذاکرات معاهده منع گسترش در کمیته خلع سلاح اظهار داشت: "این مسئله واضح است که هیچ چیزی در پیش نویس معاهده مزبور به حق کشورهای عضو برای توسعه تحقیقات، تولید و استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای مطابق با مواد ۱ و ۲ لطمه‌ای وارد نمی‌آورد" (ENDC/PV.325,Para.17).

اظهار نظر فاستر صرفاً تکرار پیش نویس ۱۹۶۷ بود و مشکل مغایرت بین عبارت "حق مسلم" و "مطابقت با مواد ۱ و ۲" را مد نظر قرار نداد و این ابهام را مبنایی برای شکل گیری مواضع بعدی کشورش قرار داد تا با استفاده از ابزار تفسیر مورد نظر به نوعی نفع شخصی ایالات متحده آمریکا محقق گردد و با این استدلال که در ماده ۴ بحث مطابقت فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای با مواد ۱ و ۲ معاهده منع گسترش آمده است، حق استفاده صلح آمیز را نادیده بگیرد. فاستر این‌گونه ادامه می‌دهد: "این مقررات، این موضوع را به خوبی روشن می‌نمایند که معاهده ذیربط پیشرفت بومی و مشارکت بین‌المللی با احترام به استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای را ترویج می‌دهد. این معاهده برای تحقیقات، تولید و استفاده از اطلاعات تجهیزات و مواد قابلیت اعمال دارد (Ibid.,Para.18). آن قسمت از اظهارات فاستر در مورد مطابقت حق مسلم استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای با مواد ۱ و ۲ در مغایرت کامل با نظر کشور مکزیک که ابتدائاً به آن پرداختیم می‌باشد. نگرانی‌ها در مورد اعمال محدودیت بر حق مسلم استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای از طریق ممنوعیت گسترده ساخت سلاح‌های هسته‌ای بی پایه و اساس نبود. در سال ۱۹۶۵ در پیش نویس شوروی سابق، ماده ۲ نه تنها

ساخت سلاح‌های هسته‌ای ممنوع اعلام شده بود بلکه تدارک و مهیا نمودن سلاح‌های هسته‌ای نیز ممنوع دانسته شده بود (USSR Draft Treaty on the Nonproliferation of Nuclear Weapons, 24 September 1965, n.38, P.5).

اگرچه واژه "مهیا کردن" در پیش نویس ۱۹۶۷ حذف شد با وجود این، قلمرو تولید سلاح‌های هسته‌ای هنوز مبهم است زیرا این ماده در مورد اینکه کدام مرحله از فعالیت هسته‌ای به عنوان ممنوعیت ساخت تلقی گردند، تعیین تکلیف نکرده است. منظور از ممنوعیت ساخت، ممنوعیت ساخت پلوتونیوم است یا اورانیوم غنی سازی شده؟ چه میزان غنی سازی؟ غنی سازی با غنای بالا یا کم؟ در پیش نویس نهایی دو کشور ذریبیط این مساله را مبهم باقی گذاشتند. کشور سوئیس در جهت شفاف نمودن مفهوم "ساخت" اقدام به برشمردن تعدادی از فعالیت‌های حساس هسته‌ای که در قلمرو تولید ممنوعه قرار نمی‌گیرند، نکرد. سوئیس خواستار تائید تفسیر ذیل شد:

"بهره برداری از ذخایر اورانیوم، غنی سازی اورانیوم، استخراج پلوتونیوم از سوخت هسته‌ای یا ساخت عناصر سوخت از آب سنگین در صورتی که برای اهداف صلح آمیز باشد قابل قبول هستند (ENDC/204 (24 November 1967), Para.)"

کشورهای ایالات متحده آمریکا و شوروی سابق با توجه به نگرانی کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای در صدد برطرف کردن این نگرانی برآمدند. شوروی سابق در پاسخ به پیشنهاد کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای برای اصلاح پیش نویس ۱۹۶۷ در خصوص ماده ۴ چنین اظهار نظر کرد: "ما معتقدیم که معاهده بایستی کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای را قادر به توسعه صلح آمیز صنایع هسته‌ای و تمام اشکال استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای نماید (ENDC/PV.339, P.6)". هیأت نمایندگی ایالات متحده آمریکا در کمیته هجدهم تأکید نمود که نگرانی از تفسیر موسع مقررات ماده ۴ دیده نمی‌شود. فاستر خاطر نشان می‌نماید: "به عنوان مثال، آمریکا یا سایر قدرت‌های پیشرفته هسته‌ای فاقد سلاح هسته‌ای، مواد و تکنولوژی‌های لازم برای ساخت راکتورهای هسته‌ای را تدارک می‌نمایند اما این واقعیت که این راکتورها می‌توانند پلوتونیومی را تولید نمایند که در ساخت سلاح‌های هسته‌ای مورد استفاده واقع شوند، باعث نخواهد شد که ایالات متحده آمریکا این مواد و تکنولوژی‌ها را در چارچوب پادمان‌های ذریبیط برای آنها تدارک ننماید (ENDC/PLV.303, Para.13.)"

فاستر ادامه می‌دهد که "معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که ساخت یا اکتساب سلاح‌های هسته‌ای را ممنوع می‌نماید، گسترش استفاده از این تکنولوژی به اشکال مختلف را محدود نمی‌کند (ENDC/PV.303, Para.18.)". وی در مباحث مطروحه در کمیته اول در سال ۱۹۶۸ نیز اظهار داشت که معاهده ذریبیط، حق استفاده صلح آمیز کشورهای عضو را تا آنجا که

مغایر با پادمان‌های مربوط به جلوگیری از انحراف مواد هسته‌ای به سلاح‌های هسته‌ای نباشند، تحت تأثیر خود قرار نمی‌دهد (A/C.1/PV.1556 (26 April 1968)). ایالات متحده آمریکا کشورها را مجاب کرد که معاهده منع گسترش باب فراخی برای استفاده صلح آمیز کشورها از اتم را باز می‌کند (A/C.1/PV.1556 (26 April 1968), Para.54).

ایالات متحده آمریکا و شوروی سابق تبلیغات گسترده انجام داده‌اند که نگرانی کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای را کاهش دهند تا آنها به عضویت معاهده درآیند. اما به هیچ وجه در شفاف سازی موضوع تلاشی نکردند. عبارت پردازی های همچون "تمام اشکال" یا "به هر نوع" باعث سردرگمی کشورهای فاقد این سلاح‌ها در مورد قلمرو ممنوعیت‌ها شد. در جهت رفع ابهامات مزبور تلاش‌هایی توسط کشورهای خاصی انجام گرفت که ذیلاً به آنها اشاره می‌نمایم.

هیأت نمایندگی برزیل پیشنهاد اصلاح پیش نویس‌های اوت ۱۹۶۷ و ژانویه ۱۹۶۸ را داد که بر اساس آن عبارت "مطابق مواد ۱ و ۲ این معاهده" حذف شود (ENDC/201 (31 October) (13 Feb 1968); ENDC/201/Rev.2 (1967)).

هیأت نمایندگی ایتالیا پیشنهاد کرد که عبارتی جدید به ماده مزبور اضافه شود که فعالیت‌هایی خاص را که در قلمرو "حق مسلم" قرار می‌گیرند، مشخص نماید. طبق این پیشنهاد چنین فعالیت‌هایی می‌بایستی دربرگیرنده فعالیت‌هایی باشد که به دست آوردن مواد شکاف پذیر خاص یا منابع یا تجهیزات جهت مصارف صلح آمیز از انرژی هسته‌ای را شامل شود (ENDC/218 (20 February 1968)).

این پیشنهادات توسط آمریکا و شوروی رد شدند. نگرانی ایتالیا در قطعنامه مجمع عمومی که متن نهایی معاهده منع گسترش را پیشنهاد می‌داد، انعکاس یافت. قطعنامه مزبور اظهار می‌داشت: "مطابق مقررات معاهده، تمام امضاکنندگان معاهده حق انجام تحقیقات، تولید و استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای دارند و قادرند منابع و مواد شکاف پذیر و تجهیزات مربوط به این فرایند، استفاده و تولید هسته‌ای برای اهداف صلح آمیز را به دست آورند (GARes.2373 (18 June 1968))."

در مورد حق مشارکت نیز کشورهای مذاکره کننده می‌دانستند که نیاز به یک الزام قانونی برای تضمین "حق مشارکت" وجود دارد. مکزیک پیشنهاد کرد: "کشورهایی که امکان مشارکت کردن را دارند متعهدند که به تنهایی یا همراه با سایر کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی در جهت توسعه بیشتر تولید صنایع و سایر کاربردهای صلح آمیز انرژی هسته‌ای مخصوصاً در قلمرو کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای، مشارکت نمایند (ENDC/196 (19) (September 1967))." کشور سوئیس نیز در ۲۴ نوامبر ۱۹۶۷ پیشنهادی مشابه را مطرح کرد که

شامل اخذ تعهدی قانونی در چارچوب معاهده بود. سوئیس اظهار داشت: "پاراگراف ششم مقدمه معاهده، قصد کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای برای تأمین علم و منافع تکنولوژی هسته‌ای در مصارف صلح آمیز را اعلام نموده است بایستی این قصد به یک تعهد حقوقی در بیکره معاهده تبدیل شود (ENDC/204 (24 November 1967): Para (3) (a))."

برخی از کشورهای توسعه یافته دارای تکنولوژی هسته‌ای پیشرفته، به این پیشنهاد اعتراض کردند.

انگلستان و کانادا استدلال کردند که واژه "تعهد" مفهومی بسیار گسترده دارد و می‌تواند این‌گونه تفسیر شود که هرگونه درخواست مشارکت از سوی کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای بایستی توسط کشورهای دارای سلاح هسته‌ای مورد موافقت قرار گیرد (Edwin Brown, Firmage, (1969), P.728). ایالات متحده آمریکا ماهیت "تعهد" را بسیار موسع و عام دانسته و اعلام کرد: "ما معتقدیم که این تعهد می‌تواند به عنوان یک تعهد حقوقی معتبر شناسایی شود اگرچه این تعهد یک تعهد عام و ناقص است و اهمیت عملی آن منوط به خواسته و اراده قدرت‌های هسته‌ای است (ENDC/PV.338, Para.16)". این اعتراضات باعث شد مکزیک به عنوان پیشنهاد دهنده، از عبارت "تعهد" این را بفهمد که در عمل تعهد حقوقی ذیربط به اراده کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای بستگی دارد (ENDC/PV.331, Para.11). در نتیجه عبارت پیشنهادی مکزیک رد شد.

بخش سوم: تجزیه و تحلیل موضوع از دیدگاه حقوق معاهدات و قواعد حاکم بر تفسیر

با توجه به ابهام مربوط در دیدگاه کشورهای عضو معاهده منع گسترش و اسناد مقدماتی آن، بایستی قواعد کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ در مورد تفسیر را جهت رفع ابهام از عبارات معاهده مزبور به کار گرفت.

بند اول) بررسی قواعد کلی تفسیر

طبق ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱- معاهده باید با حسن نیت و مطابق با معنای عادی و متداولی که به اصطلاحات معاهده در سیاق آنها داده می‌شود و در پرتو موضوع و هدف معاهده تفسیر شود.

در نخستین گام باید توجه داشت که هرگونه پیشداوری در خصوص اعطای حق مسلم به کشورهای عضو معاهده ذیربط جهت استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای به حسن نیت مدنظر در این ماده لطمه وارد می‌آورد. در عین حال، نباید معنایی دور از ذهن و سیاسی از عبارات

این معاهده به ذهن خطور نماید. همان‌طور که در مباحث قبلی اشاره شد در قطعنامه‌های متعدد از جانب مجمع عمومی و دیدگاه کشورهای اروپایی حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای مورد تأکید قرار گرفته است که با توجه به بند (۲) (ب) ماده ۳۱ معاهده وین که مقرر می‌دارد: "هر سندی که در ارتباط با انعقاد معاهده توسط یک یا چند طرف (معاهده) تنظیم شده باشد و سایر طرف‌ها آن را همچون سندی مرتبط با معاهده پذیرفته باشند، جزء سیاق معاهده است"، از این بند از ماده ۳۱، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که چه در معاهده منع گسترش و چه در سایر اسناد که جزء سیاق معاهده تلقی می‌شوند، این حق مسلم استفاده از انرژی هسته‌ای مورد شناسایی و دارای آثار حقوقی تلقی شده است.

هدف و موضوع معاهده منع گسترش نیز شایان اهمیت بسیار است. هدف و موضوع این معاهده چیزی جز این نبود که کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای، بر اساس مقررات این معاهده، نتوانند سلاح هسته‌ای تولید یا اکتساب نمایند و کشورهای دارای این سلاح‌ها هم در انتقال تکنولوژی هسته‌ای جهت مصارف صلح آمیز به کشورهای فاقد این سلاح‌ها مشارکت نمایند و هم خلع سلاح کامل و عمومی شوند (Ali, A.M.(2007), P.307). این خود نشان دهنده آن است که اگر این دو بحث مهم مدنظر دو دسته کشورهای دارا و فاقد سلاح‌های هسته‌ای نبود، این معاهده به منصفه ظهور نمی‌رسید (Muller, 2005,p12) چون ماهیت حاکم بر این معاهده، ماهیتی بده‌بستانی است. به نظر کشورهای در حال توسعه، علت اصلی الحاق آنها به معاهده منع گسترش، استفاده از حقی بود که این معاهده برای توسعه تحقیقات، تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای در راه صلح آمیز به وجود آورده و همه دولت‌های جهان را به ایجاد زمینه‌های مساعد برای مبادله اطلاعات، وسایل و مواد مربوط به نیروی اتم ملزم ساخته و در نتیجه دولت‌های صنعتی را موظف نموده است که توجه به نیازهای کشورهای در حال توسعه، آنها را در استفاده صلح آمیز از این نیرو مدد رسانند (فلسفی، هدایت‌الله، مجله حقوقی، شماره ۲۰، ص ۲۱-۲۲).

همکاری بین‌المللی در این حوزه، تعهد و تکلیف مستقل دولت‌های عضو معاهده منع گسترش است و چون ناظر رسمی اجرای معاهده نیز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است، دولت‌ها نمی‌توانند بر اساس تلقیات فردی و ارزیابی‌های یکسویه خود، از اجرای این تعهد معاهد ای به ویژه مبادله هرچه سریعتر اطلاعات علمی و فنی برای مقاصد صلح‌جویانه انصراف ورزیده و بی‌دلیل، مواد ۱ و ۲ را بر ماده ۴ برتری دهند (ممتاز، ۱۳۷۵ ص ۳۸). بنابراین همان‌طور که قواعد کلی تفسیر مقرر می‌دارند: اولاً، طبق بند (۱) ماده (۴) که تعمداً به صورت سلبی بیان شده است "حق مسلم برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای" مصون از تأثیر سایر مواد دیگر معاهده می‌باشد. ثانیاً، هیچ‌گونه سلسله مراتبی میان مقررات این معاهده وجود

ندارد و نمی‌توان تعهدات کشورها به موجب مواد ۱ و ۲ را پیش شرط اعطای حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای دانست. حتی اگر این مطلب نیز مطرح شود باید توجه داشت که در مورد بحث هسته‌ای ج.ا.ا همیشه بحث از وجود ابهامات بوده است و نه دلایل متیقن که مبین انحراف ج.ا.ا از پادمان‌های هسته‌ای باشد.

بند دوم: استناد به وسایل مکمل تفسیر

طبق ماده ۳۲ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در مورد حقوق معاهدات: "به وسایل مکمل تفسیر، از جمله کارهای مقدماتی و اوضاع و احوالی که در آنها معاهده انعقاد یافته است، می‌توان متوسل شد به شرطی که به منظور تأیید معنای حاصل از ماده ۳۱ باشد و یا تعیین معنای معاهده در صورت تفسیر مضیق طبق ماده ۳۱: الف) معنای مبهم یا نامفهوم به دست دهد. ب) به نتیجه‌ای منجر شود که آشکارا بی‌معنی و نامعقول است.

حال اگر در مورد حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای طبق قواعد کلی تفسیر نتوان رفع ابهام کرد و عده‌ای اعتقاد به وجود ابهام در معاهده داشته باشند می‌توان بر اساس ماده ۳۲ کنوانسیون ذیربط، بر اساس متون مقدماتی معاهده منع گسترش اقدام به تفسیر کرد. به نظر می‌رسد که با توجه به قواعد کلی تفسیر بتوان مشکل وجود ابهام در موضوع را حل کرد و حق استفاده صلح آمیز را حق مسلم و غیرقابل انکار تلقی کرد و استناد به ماده ۳۲ کنوانسیون فوق‌الذکر که مبین توسل به متون مقدماتی جهت تفسیر معاهده می‌باشد، ضروری به نظر نمی‌رسد.

نتیجه

حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای حقی مسلم و از مصادیق بارز حق توسعه کشورها می‌باشد. در نتیجه گیری از مباحث مطروحه در این نوشتار می‌توان چنین نظر داد که معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به دنبال تحقق و تبلور این حق بوده و اگر این دیدگاه را نپذیریم باید اقرار کنیم که کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای اقدام به تقلبی بزرگ و عاری از هرگونه حسن نیتی کرده‌اند. بنابراین با توجه به قواعد حاکم بر تفسیر و متن یا مواد این معاهده می‌توان چنین نتیجه گیری کرد که طبق اصل اثر مفید تفسیر، مفسر باید میان معانی مختلف که ممکن است مقررات معاهده داشته باشند، معنایی را انتخاب کند که اجرای مؤثر آن مقررات را ممکن سازد. رعایت اصل اثر مفید تا جایی است که اجرای بدون قید و شرط متن معاهده را به همراه داشته باشد، حتی اگر متن با سایر عناصر معاهده در تعارض باشد: در صورتی که تفسیر بر اساس متن معاهده، معنایی غیرمنطبق با معنی ظاهری و روح و منظوق

معاهده، کارکرد، موضوع و هدف معاهده به دست دهد در این حالت قاعده اثر مفید، قابلیت اجرایی پیدا می‌کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۸). بنابراین با توجه به این اصل تفسیر، می‌توان حق مزبور را به خوبی مطمح نظر قرار داد. در پایان سه پیشنهاد در این خصوص ارائه می‌شود:

الف) پیشنهاد می‌شود که مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی اجلاس‌های خود به بررسی این حق پردازد و در این مقطع زمانی نظر قاطع خود در این مورد را مطرح نماید.

ب) در کنفرانس‌های مقدماتی بازنگری در معاهده منع گسترش، ساختار حقوقی جداگانه‌ای برای معاهده ذیربط پیش بینی شود که در مواقع خاصی که مد نظر کشورهای عضو معاهده منع گسترش است (مخصوصاً در مورد ابهامات موجود در مقررات معاهده مزبور)، به عنوان دبیرخانه اقدام کند و دبیرکل داشته باشد. چون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با توجه به اشتغالات و کارویژه‌های خود نمی‌تواند به خوبی به حقوق و تعهدات کشورها بر اساس این معاهده نظارت و اظهار نظر قاطع و به موقع ارائه دهد.

ج) در کنفرانس‌های بازنگری در معاهده منع گسترش کشورهای فاقد فناوری هسته‌ای سعی در اتخاذ مواضع واحدی در مورد حق استفاده صلح آمیز نمایند.

منابع و ماخذ

الف - فارسی

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، حقوق معاهدات بین‌المللی، کتاب فروشی گنج دانش، ج ۱۰، ص ۱۶۸.
۲. فلسفی، هدایت الله، (۱۳۷۵) "نابرابری دولت‌ها در قبول و اجرای معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای"، مجله حقوقی، شماره ۲۰، ص ص ۲۱-۲۲.
۳. ممتاز، جمشید، (۱۳۷۵)، حقوق بین‌الملل سلاح‌های کشتار جمعی، ترجمه و تحقیق امیرحسین رنجریان، تهران، انتشارات دادگستر، ص ۳۸.

ب - خارجی

- 1- 7ILM (1968), PP.155-161.
- 2-A/4680 (20 December 1960), Para.10.
- 3-A/c.1/L.206 (17 October 1958).
- 4-A/C.1/PV.1556 (26 April 1968) , Para.54.
- 5-A/C.1/PV.1556 (26 April 1968).
- 6-A/pv.751 (19 September 1958), Para. 81 – 84.
- 7-Albert Wohlstetter, (winter1976-1977), "Spreading the Bomb without Quit Breaking the Rules", 25 Foreign Policy.
- 8-Ali, A.M.(2007),"Treaty on the Non – Proliferation of Nuclear Weapons and It's Recent Issues: a Legal Perspective", Int.J.Nuclear Law, Vol.1, No.4.P.307.
- 9-Bertrand Goldschmidt, (1981) "Nuclear Non-Proliferation and Safeguards", A Conference Report, The Atlantic Institute for International Affairs, The American Nuclear Society, P.66.
- 10-Bertrand Goldschmidt, (Summer1997) "Historical Survey of Non Proliferation Policies", 2 International Security issue1,p.80.

- 11-Charles Van Doren, March 1995, **key NPT Conference Issues**, Arms Control Today.
- 12-Edwin Brown Firmage, (1969), **the Treaty on the Non – Proliferation of Nuclear Weapons**, 63 AJIL p.728.
- 13-ENDC/196 (19 September 1967).
- 14-ENDC/196(19 September 1967).
- 15-ENDC/201 (31 October 1967) ; ENDC/201/Rev.2 (13 Feb1968).
- 16-ENDC/204 (24 November 1967), Para.
- 17-ENDC/204 (24 November 1967): Para (3) (a).
- 18-ENDC/218 (20 February 1968).
- 19-ENDC/PLV.303,Para.13.
- 20-ENDC/PV.303,Para.18.
- 21-ENDC/PV.325,Para.17.
- 22-ENDC/PV.325,Para.17.
- 23-ENDC/PV.331, Para.11.
- 24-ENDC/PV.331,Para.7.
- 25-ENDC/PV.338,Para.16.
- 26-ENDC/PV.339,P.6.
- 27-G.A Res.1380 (20 November 1959).
- 28-G.A Res.23T3(18 June 1968).
- 29-GA Res. 2156 (22 November 1966), Para.2©.
- 30-GA Res.1665 (4 December 1961).
- 31-GARes.2373 (18 June 1968).
- 32-Imai Ryukicki, (Autumn 1978) “**A Japanese Reaction to U.S. Non Proliferation Policy**”, 3 International Security, Issue 2,62.
- 33-Joseph S.Nye, (1980)“**The International Nonproliferation Regim, Stanly Foundation**, Joseph S.Nye, Maintaining a Non-Proliferation Regime, 35 International Organization, (Winter, 1981), No.1, 16.
- 34-Joseph S.Nye, (1980)“**The International Nonproliferation Regime**, Stanley Foundation publication.
- 35-Leonard S. Spector, (1995), **Repentant Nuclear Proliferants, in: William M.E and Ved P.Nada (Eds), Nuclear Proliferation and Legality of Nuclear Weapons**, University Press of America .
- 36-Muller , H.“**Farewell to Arms**”, IAEA Bulletin, Vol.46, No.2, P.12.
- 37-Peter Crail and James MCMonigle, **Stalemate in the Diplomatic Trenches: An Overview of the Diverging Position at 2005 NPT Review Conference** <http://cns.miis.edu/pubs>.
- 38-Pierre Lellouche, (winter 1980) “**Breaking the Rule Without Quite Stopping the Bomb; European View**”, 35 International Organization, No.1,p.45.
- 39-R.Jorn, S.Harry(1995), **IAEA Safeguards and Non- Proliferation**, in: Marianne Van Leeuwen Ceds, **The Future of the International Nuclear Regime**, Martinus Nijhoff Publishers.
- 40-Shinuke Sugiyama, “**Peace ful Use of Nuclear Energy and New Era for Japan-U.S. Cooperation History and Major Issues of the New Japan-U.S. agreement**”, 31 the Japanese Annual of International Law.
- 41-Statement of IAEA Director General D.r.Mohamed ElBradi in 2005 Review Conference of NPT, 2 May 2005 (<http://www.iaea.org/Newscenter/Statent/2005/ebsp2005noo6.html>).
- 42-The New York Times, 28 May 2005.
- 43-The U.S. Draft Treaty to Prevent the Spread of Nuclear Weapons, Aug 17, Sept.24, 1965, See, (A/5976).
- 44-The U.S.S.R Draft Treaty on the Non Proliferation of Nuclear Weapons, Sept. 24, 1965, See, (A/5976).
- 45-USSR Draft Treaty on the Nonproliferation of Nuclear Weapons, 24 September 1965, n.38,P.5.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«چهل و سومین اجلاس کمیسیون حقوق بین‌الملل»، سال ۷۳، شماره ۳۱، «نگاهی به جنبه‌های عمومی حقوق کار با تکیه بر قانون کار جمهوری اسلامی ایران»، سال ۷۹، شماره ۵۰، «جلسه کاری کمیته حقوق اسلامی و حقوق بین‌الملل» شصت و نهمین کنفرانس (لندن - سال ۲۰۰۰)، سال ۸۰، شماره ۵۲، «بررسی تحلیلی انواع روش‌های تعیین حدود در رودخانه‌های مرزی»؛ سال ۸۱، شماره ۵۵، «هفتمین نشست انجمن حقوق بین‌الملل (آوریل ۲۰۰۲، دهلی نو)»، سال ۸۱، شماره ۵۸، «بررسی تطبیقی شرایط کار زنان و نوجوانان در کشورهای ژاپن، کره جنوبی، هند، مصر، انگلستان و ایران»، سال ۸۳، شماره ۶۴، «دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل»، سال ۸۵، شماره ۷۲، «مداخله بشر دوستانه؛ نقض قاعده یا استثناء سوم» سال ۸۶، شماره ۱. «نقد و بررسی حکم «دیه نفس» زن در قانون مجازات اسلامی»، سال ۸۶، شماره ۴. «نقد و بررسی مقاله «تحول تدریجی حقوق محیط زیست بین‌المللی و مسئولیت دولت‌ها»، سال ۱۳۸۷، شماره ۲. «نقد و بررسی دادرسی فوری در حقوق انگلیس» سال ۱۳۸۸، شماره ۱. «آثار دادرسی فوری در حقوق ایران و انگلیس» سال ۱۳۸۸، شماره ۳.